

در این شماره می‌خوانید:

- تقویت تجارت قانون‌محور/ خواسته ICC از گروه ۲۰
- گزارش تازه منتشر شده حکایت می‌کند: ۸۷ حادثه دزدی دریایی در نیمه اول سال
- ۳ روش کاهش اثر تغییر آب و هوا بر اقیانوس‌ها
- راه‌اندازی دوره جدید تامین مالی دیجیتالی تجارت در آکادمی ICC
- نایب رئیس جدید اتاق بازرگانی بین‌المللی منصوب شد
- اخبار کمیته ایرانی ICC
- معرفی کتاب: «پژوهش‌های موردی در روش‌های پرداخت بین‌المللی»
- ویژه‌نامه اقتصادی

ویژه‌نامه اقتصادی کمیته ایرانی ICC

وقت آن است صریح‌تر باشیم

کمیته ایرانی ICC، ویژه‌نامه اقتصادی شماره ۲ خود را به مصاحبه، گزارش و یادداشتی به ترتیب با عناوین «روحانی تکلیف خود را با اقتصاد روشن کند»، «مثلث نجات اقتصاد ایران» و «وقت آن است صریح‌تر باشیم» اختصاص داده است.

مصاحبه مذکور توسط مجله تجارت فردا با «محمد مهدی بهکیش»، اقتصاددان ایرانی و دبیرکل کمیته ایرانی ICC صورت گرفته است، علاوه بر این روزنامه دنیای اقتصاد نیز به دلیل اهمیت موضوع مطرح شده و تاثیر آن بر اقتصاد کشور، گزارشی از این مصاحبه تهیه و چاپ نموده است. همچنین بهکیش باری دیگر و با زبانی صریح‌تر یادداشتی را به رشته تحریر درآورده که می‌توان آن را در ادامه مطالب قبلی و در جهت تکمیل آنها دانست. وی در وضعیت امروز، «قاچاق و فساد»، «مشکلات نظام بانکی» و «اقتصاد غیررقابتی» را به صورت سه دیوار در مقابل فعالان اقتصادی می‌داند و معتقد است تا زمانی که این سه دیوار فرو نریزد یا چشم‌انداز فروریزی آن ظاهر نشود، هیچ فعالیت اقتصادی درستی انجام نخواهد شد.

متن کامل مطالب مذکور در ادامه از نظرتان می‌گذرد.



آدرس کمیته ایرانی ICC در تلگرام:

<https://t.me/Iraniannationalcommittee>



تقویت تجارت قانون‌محور

خواسته ICC از گروه ۲۰

اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)، بیانیه زیر را پیش از برگزاری اجلاس رهبران گروه ۲۰ در سال ۲۰۱۷ در هامبورگ منتشر ساخت:

«جان دنیلوویچ (John Danilovich)»، دبیرکل ICC گفت:

«ما همچنان با چالش رشد جهانی خیلی پایین و سودآوری کم روبرو هستیم. این قضیه، آزمون اقتصادی تعریف‌شده در زمان ماست. ما از رهبران گروه ۲۰ خواستار اقدامات مرتبط و هماهنگ برای پیشبرد رشد فراگیر هستیم.»

عقب‌نشینی و کناره‌گیری از حمایت‌گرایی، پاسخی اشتباه به این چالش خواهد بود. جامعه کسب و کار جهانی نیازمند مشاهده موضع قوی گروه ۲۰ در حفظ بازار آزاد برای تجارت و سرمایه‌گذاری است. این مسئله

معناشناسی نیست: این امر درباره اعتمادبخشی به کسب و کار برای سرمایه‌گذاری، توسعه بین‌المللی و ایجاد مشاغل جدید است.

ما از تمامی کشورهای گروه ۲۰ می‌خواهیم تا سیستم تجاری چندجانبه و قانون‌محور را تقویت کنند و جهت دستیابی به نتایج موفقیت‌آمیز در کنفرانس آتی وزرای سازمان تجارت جهانی (WTO) - که در دسامبر برگزار می‌شود- همکاری کنند. بر اساس بیانیه اخیر وزرای اقتصاد دیجیتالی گروه ۲۰، این سیستم می‌بایست شامل نقشه‌راهی روشن باشد تا قدرت اینترنت در دموکراتیزه ساختن تجارت و حمایت از رشد کسب و کارهای کوچک را متعادل سازد.»



گزارش تازه منتشر شده حکایت می‌کند: ۸۷ حادثه دزدی دریایی در نیمه اول سال

دفتر امور دریایی بین‌المللی (IMB) اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) با انتشار گزارشی در روز چهارم جولای ۲۰۱۷ (برابر با ۱۳ تیرماه ۱۳۹۶) خبر از تداوم کاهش در حوادث گزارش شده دزدی دریایی و سرقت مسلحانه در کشتی‌ها در سه ماهه دوم سال داد. بر طبق این گزارش، در نیمه اول سال ۲۰۱۷ مجموعاً ۸۷ حادثه به مرکز گزارش‌گیری دزدی دریایی IMB گزارش شده است که تعداد حوادث در مدت زمان مشابه در سال گذشته، ۹۷ مورد بوده است.

گزارش دزدی دریایی دفتر امور دریایی بین‌المللی (IMB) ICC در سال ۲۰۱۷، بیانگر برخی از پایین‌ترین ارقام دیده شده طی ۵ سال گذشته است. آخرین گزارش دزدی دریایی در شش ماهه نخست سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که ۶۳ فروند کشتی تسخیر شده، ۱۲ فروند به آتش کشیده شده و ۴ فروند ربوده شده‌اند، همچنین ۸ فروند کشتی دیگر نیز شاهد اقدام به حمله بوده‌اند. در مجموع ۶۳ خدمه به گروگان گرفته شده‌اند، در حالی که ۴۱ نفر از کشتی خودشان ربوده، ۳ نفر مجروح و ۲ نفر کشته شده‌اند.

با این حال ربوده شدن تانکر کوچک تایلندی در مسیر سنگاپور به سونگخلا (تایلند)، دلخوشی و اشتیاق روند نزولی را مخدوش ساخته است. این ربایش در پایان ماه ژوئن، توسط ۶ دزد دریایی شدیداً مسلح صورت گرفت که یک‌هزار و ۵۰۰ تن نفت گاز را به کشتی دیگر منتقل کردند. این رویداد، الگویی مشابه را برای مجموعه‌ای از تانکرهای محصول در منطقه دنبال می‌کرد که از آوریل ۲۰۱۴ تا آگوست ۲۰۱۵ حدوداً هر دو هفته یکبار ربوده می‌شدند.

IMB PRC به منظور مقابله با گروه‌های جنایی انجام‌دهنده حملات در سایر تانکرهای محصول، از مقامات مالزیایی و

اندونزیایی خواست تا اقدامات محکمی را به عنوان پاسخ (به همان شیوه که با مسئولان بسیاری از حملات پیشین برخورد شد) به کار گیرند.

همکاری میان اندونزی، مالزی و فیلیپین به عنوان دلیل اساسی برای کاهش کلی در تعداد حوادث گزارش شده در فیلیپین و اطراف آن - از ۹ مورد حادثه ثبت شده در سه ماهه اول سال به ۴ مورد در سه ماهه دوم - به رسمیت شناخته شده است. به طور کلی، تعداد حملات عمدتاً سطح پایین در اندونزی از ۲۴ مورد در سال ۲۰۱۶ به ۱۹ مورد در سال ۲۰۱۷ کاهش یافته است.

دزدان دریایی سومالی همچنان تهدیدی برای کشتی‌های تجاری هستند

ربودن یک قایق هندی در اوایل ماه آوریل، یکی از پنج حادثه گزارش شده در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۷ در سومالی بود. سه گزارش دیگر نیز از کشتی‌هایی که به آتش کشیده شده‌اند و همچنین یک تانکر حامل که توسط دزدان دریایی در خلیج عدن تسخیر شد، وجود دارد. این رویدادها که نشان می‌دهند دزدان دریایی سومالی همچنان مهارت و ظرفیت حمله به کشتی‌های تجاری دور از آب‌های ساحلی را دارند. گزارش دزدی دریایی از صاحبان کشتی می‌خواهد تا سطح بالایی از هوشیاری را در هنگام عبور از مناطق پرخطر حفظ کنند و علاوه بر این از آخرین نسخه بهترین شیوه‌های مدیریت پیروی نمایند.



همچنان گزارشاتی از آدم‌ربایی دزدان دریایی در نیجریه دریافت می‌شود. آنها تاکنون مسئولیت ربودن ۳۱ خدمه را در ۵ حادثه گزارش شده پذیرفته‌اند. این تعداد مشتمل بر ۱۴ خدمه ربوده شده از دو کشتی جداگانه در سه ماهه دوم سال است. همچنان خشونت علیه خدمه، در نیمی از تمامی گزارش‌های مربوط به کشتی‌های به آتش کشیده شده که از نیجریه می‌آمدند، ادامه دارد.



IMB با تشخیص نیاز به درکی روشن‌تر از عمق گزارش‌گیری در منطقه خلیج گینه، ایده «انجمن گزارش‌گیری» را در ارتباط با «اقیانوس‌ها فراتر از دزدی دریایی»، مطرح کرد. این ایده، پروژه‌ای است که هدف تشویق تمامی ذینفعان در به اشتراک‌گذاری گزارش‌های دزدی دریایی و سرقت مسلحانه با IMB را دارد.

دزدی دریایی و سرقت مسلحانه

مرکز گزارش‌گیری دزدی دریایی IMB از سال ۱۹۹۱ به صورت شبانه‌روزی اطلاعات به موقع و شفاف در مورد حوادث دزدی دریایی و سرقت مسلحانه را برای کمک به صنعت دریایی، دولت‌ها و آژانس‌های پاسخگو تهیه می‌کند. این اطلاعات مستقیماً از صاحبان کشتی و ناخدایان دریافت می‌شود.

پخش و انتقال سریع گزارش‌های مرکز و برقراری ارتباط با آژانس‌های پاسخگو از طریق «خدمات شبکه امنیتی اینمارست (سازمان بین‌المللی ماهواره دریایی)» و ایمیل‌های هشدار (که همگی رایگان هستند)، به اقدام مناسب علیه دزدی دریایی و سرقت مسلحانه و همچنین تقویت امنیت برای دریانوردان در سراسر جهان کمک کرده‌اند.

IMB قویاً از تمامی ناخدایان و صاحبان کشتی می‌خواهد تا تمامی حوادث دزدی دریایی و سرقت مسلحانه اعم از واقعی، اقدام به حمله و مورد ظن را به IMB PRC گزارش کن‌ند. این گام در پاسخ به زنجیره پاسخ ضروری است تا آنچه را که منابع کافی تخصیص یافته توسط مقامات برای مقابله با دزدی دریایی است تضمین نماید. آمار شفاف از سازمان بین‌المللی مستقل و غیرسیاسی می‌تواند همچون کاتالیزوری در دستیابی به این هدف عمل کند.



۳ روش کاهش اثر تغییر آب و هوا بر اقیانوس‌ها

کنفرانس اقیانوس سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۷، اوایل ماه جولای با هدف هماهنگی اقدامات مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برگزار شد.

در حاشیه این کنفرانس رویدادی به میزبانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)، دانشگاه جهانی دریانوردی (WMU) و دولت سوئد، تشکیل شد و نمایندگانی از بخش خصوصی، کشورهای راهبر اقیانوس و بخش آموزش و ظرفیت‌سازی را گرد هم آورد تا پیرامون رویکردهای کاربردی در بررسی روش‌های مقابله بخش خصوصی با تاثیر تغییرات آب و هوایی بر اقیانوس‌ها بحث و تبادل نظر کنند.

رئوس مهم مطرح در این رویداد، عبارت بودند از:

بخش خصوصی - شریک بسیار مهم

کسب و کار نه تنها به عنوان مبتکر و سرمایه‌گذار، نقش مهمی در کمک به کاهش تاثیر تغییر آب و هوا بر اقیانوس‌ها ایفا می‌کند بلکه جوامع را برای سازگاری با اثر جهانی تغییر آب و هوا یاری می‌رساند.

«پاول هولتوس (Paul Holthus)»، مدیرعامل و بنیانگذار شورای جهانی اقیانوس، بر نیاز به اجرای راهکاری جهانی در سطح صنایع چندگانه برای تامین اقیانوس‌هایی سالم و مولد و استفاده پایدار و نظارت توسط جامعه کسب و کار، تاکید کرد. او خطاب به شرکت‌کنندگان این رویداد گفت که راهکارهای آب و هوایی باید در همه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قابل اجرا بوده و برگرفته از همه بخش‌ها اعم از حمل و نقل، نفت، گاز، شیلات، پرورش آبزیان، گردشگری و انرژی‌های دریایی تجدیدپذیر باشند.

پرورش ماهیگیری مسئولانه

همکاری با شیلات در مقیاس کوچک و کشورهای در حال توسعه جهان برای رسیدگی به مسائل مهم امنیت غذایی، معیشت و توسعه اقتصادی، ضروری است.

«مینا اپس (Minna Epps)»، مدیر برنامه شورای نظارت دریایی منطقه اسکاندیناوی و دریای بالتیک، نمونه‌هایی از نحوه اثرات منفی بر کف دریای بارنت (نروژ) ارائه کرد. او همچنین به مکانیسم‌های انگیزشی مبتنی بر بازار مانند صدور گواهینامه به منظور نشان دادن پایداری کالاها، اشاره کرد و آن را ابزار مهمی برای کمک به پیشبرد اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (UN)، برشمرد.

ایجاد مهارت‌ها برای آینده‌ای روشن‌تر

«مگان لینکین (Megan Linkin)»، نایب رئیس و شریک جهانی Swiss Re گفت که ضایعات ناشی از فجایع طبیعی، فشار فزاینده‌ای را به دولت‌ها وارد کرده است. هنگامی که نهادهای رتبه‌بندی، سازمان‌های چندجانبه و بخش خصوصی همگی درک درستی از خطر بلایای طبیعی به دست آورند، می‌توانند شرکای ارزشمندی از بخش خصوصی در پیش‌بینی و مدیریت ریسک باشند.

این رویداد به مدیریت «لوئیس کانتر (Louise Kantrow)» ناظر دائمی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) در سازمان ملل متحد (UN) و «نیکلاس شولتز (Nikolaus Schultze)»، مدیر اجرایی دانشگاه جهانی دریانوردی برگزار شد و بر تداوم نیاز به آموزش و ظرفیت‌سازی برای نیروی کار فعلی و آتی تاکید کرد؛ چراکه آنها، فعالان مهم دریانوردی و زنجیره‌های ارزنده صنعت گسترده اقیانوس خواهند بود.



راه‌اندازی دوره جدید تامین مالی دیجیتالی تجارت در آکادمی ICC

آکادمی ICC، نهاد آموزشی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)، دوره آموزشی پیشرفته با عنوان تامین مالی دیجیتالی و فن‌آوری تامین مالی (fintech) را راه‌اندازی کرده است. برنامه این دوره با هدف ارائه آموزش تخصصی به بانک‌ها، بنگاه‌ها، مؤسسات مالی، شرکت‌های بیمه و فعالان فن‌آوری تامین مالی (فینتک) منظور شده است.

در سال‌های اخیر گسترش شرکت‌های نوپا در زمینه فن‌آوری تامین مالی موجب افزایش فرصت‌ها و به تدریج شروع فرآیند دیجیتالی شدن مؤسسات بانکی و تامین مالی شده است. تقویت محبوبیت نوآوری‌های فنی، ناگزیر منجر به تقاضای بیشتر برای فعالیت متخصصان ماهر شده است.

«جان آرن (John Ahearn)»، مدیر جهانی تجارت گروه سیتی (Citi)، ضمن اظهارنظر درباره این جریان، گفت: «خوشحالیم که با تکامل بیشتر مدیریت فعال سرمایه و نقدینگی شاهد تمرکز این صنعت بر تبدیل شدن به محیطی دیجیتالی‌تر هستیم. آموزش و برپایی این دوره‌ها، گام مهمی برای کمک به توسعه شرکت‌کنندگان معتبر و مطلع این بازار است.»

این دوره آموزشی به طور مجزا برگزار می‌شود و بخشی از رئوس آموزشی مربوط به گواهینامه تخصصی تامین مالی تجاری (CTFP) در آکادمی ICC محسوب می‌شود. آموزش آنلاین تامین مالی دیجیتالی تجارت و فن‌آوری‌های تامین مالی به مرور چالش‌های قانونی و نظارتی از منظر تامین مالی دیجیتالی تجارت می‌پردازد و به علاوه، طیف گسترده‌ای از رویه‌ها و راهکارهای موجود برای حمایت از تجارت جهانی را بررسی می‌کند.

«آناند پاند (Anand Pande)»، طراح این دوره و بنیانگذار گروه گروت پارادایم (Growth Paradigm)، گفت:

«متخصصان می توانند درک خوبی از ساز و کارهای اصلی، تحولات مهم و فعالان عمده تشکیل دهنده جهان دیجیتالی تجارت، تامین مالی زنجیره تامین و فن آوری تامین مالی بدست آورند. در حال حاضر حجم تجارت دیجیتالی و فن آوری تامین مالی، بسیار کم است و این دوره آموزشی بینشی درباره تجاری سازی (commercialization) و مقیاس پذیری (scalability) فن آوری ارائه می دهد.»

دوره آموزشی آنلاین، مشتمل بر هشت سرفصل کلی است که به معرفی ویژگی های اصلی تجارت دیجیتالی و فن آوری های تامین مالی، تعهدات پرداخت بانکی، دیجیتالی شدن زنجیره تامین مالی و سایر فن آوری های نوظهور می پردازد. این دوره به منظور کمک به اعضای آکادمی ICC در فراگیری عملی نظریه ها، نمونه هایی واقعی از مطالعات موردی را ارائه می کند.

«جولیون الود-راسل»، شریک تجارت و کالا در «سیمونز اند سیمونز» درباره رئوس این دوره آموزشی، گفت: «تجارت و تامین مالی تجارت اغلب از برنامه های فنی و کاربردی روز، عقب مانده اند. به طور معمول این قضیه ناشی از روند کاغذی و ناکارآمد گذشته است. دوره آموزشی آنلاین آکادمی ICC با عنوان تامین مالی دیجیتالی تجارت و فن آوری های تامین مالی، حاوی مطالبی است که به حل این رویه قدیمی کمک می کند. این دوره، ساختارها و کاربرد ابزارهای دیجیتالی در تامین مالی تجارت را به روشنی عنوان کرده و نگاهی عمیق به آینده فن آوری تامین مالی در تجارت را ارائه نموده است.»

برای دریافت اطلاعات بیشتر درباره آکادمی ICC و کاتالوگ دوره آموزش آنلاین، لطفاً به لینک آکادمی ICC مراجعه کنید:

<http://icc.academy/certifications/certified-trade-finance-professional/>



نایب رئیس جدید اتاق بازرگانی بین المللی منصوب شد

اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) خبر انتصاب «کارین ون جنیپ (Karien van Gennip)» در سمت نایب رئیس ICC را اعلام کرد. این انتصاب در اجلاس شورای جهانی ICC در نایروبی (۶ ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۶ خرداد ۱۳۹۶) انجام پذیرفت.

برای نخستین بار است که یک زن در ICC این سمت را از آن خود می کند.

خانم ون جنیپ عضو هیئت اجرایی ICC از جولای ۲۰۱۲، رئیس کمیته تامین مالی ICC و همچنین عضو بدنه حاکمیتی دیوان دآوری ICC بوده است. او همچنین مدیر عامل گروه ING فرانسه- یک گروه تامین مالی بین المللی پیشرو- است.

وی در سال ۲۰۰۸ به عنوان مدیر امور دولتی و عمومی به گروه ING پیوست. پیش از این خانم جنیپ به عنوان مدیر بانکداری و سرمایه گذاری خصوصی فعالیت داشته است.

وی حرفه خود را در سال ۱۹۹۴ به عنوان مشاور مدیریت برای گروه McKinsey & Company در آمستردام و سان فرانسیسکو

آغاز نمود. او فعالیت خود را با مقامات هلند برای بازارهای مالی در سال ۲۰۰۲ ادامه داد و به بخش دولتی منتقل شد. خانم جنیپ از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ در سمت دبیر منطقه‌ای امور اقتصادی و وزیر تجارت خارجی- با مسئولیت پوشش تجارت دو جانبه و چند جانبه، کارآفرینی، سیاست منطقه‌ای، سیاست مصرف‌کننده و تغییرات سرمایه‌گذاری فعالیت داشت. وی همچنین به عنوان عضو پارلمان هلند از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ بود.

• اعضای جدید از آفریقا و آسیا پاسیفیک

«پاترین اوباس (Patrick Obath)» از کنیا و «هرش پاتی سینگانیا (Harsh Pati Singhania)» از هند به عنوان اعضای جدید هیئت اجرایی ICC منصوب شدند. آقای اوباس، رئیس ICC کنیا و عضو بسیار محترم از جامعه کسب و کار شرق آفریقا و کنیا با ۳۵ سال تجربه در زمینه نفت و گاز است. وی در شرق آفریقا شرکت سلامت، ایمنی و محیط‌زیست را برای این منطقه راه‌اندازی و مدیریت نموده است.

آقای سینگانیا به عنوان هماهنگ‌کننده منطقه‌ای ICC برای منطقه آسیا پاسیفیک، مدیر سازمان JK و نائب رئیس و مدیرعامل شرکت JK PAPAER در هند است.

او از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ رئیس ICC هند بوده است. همچنین عمومی وی، «هاری شانکار سینگانیا (Hari Shankar Singhania)» سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ به عنوان رئیس ICC فعالیت داشته است.

خانم ون جنیپ، آقای اوباس و آقای سینگانیا فعالیت خود در ICC را از آغاز ماه جولای ۲۰۱۷ آغاز می نمایند.

اخبار کمیته ایرانی ICC

کمیسیون تسهیلات گمرکی و تجاری تشکیل جلسه می‌دهد

کمیسیون تسهیلات گمرکی و تجاری کمیته ایرانی ICC به ریاست «محمود رستم افشار»، دبیر کمیسیون مذکور ساعت ۱۴:۳۰ روز دوشنبه، ۱۳۹۶/۰۴/۲۶ در سالن طبقه ششم اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تشکیل جلسه می‌دهد.

اهم مطالب مورد بحث در این نشست از قرار زیر است:

- گزارش و بررسی اخبار روز حمل و نقل
- تصمیم‌گیری درخصوص اولویت برگزاری همایش‌ها در سال ۱۳۹۶
- گزارش کارگروه‌ها

نشست کمیسیون بیمه بر گزار می‌گردد

نشست کمیسیون بیمه ایرانی ICC به ریاست «نادر مظلومی»، دبیر کمیسیون مربوطه ساعت ۸:۳۰ روز دوشنبه، ۱۳۹۶/۰۴/۲۶ در سالن طبقه ششم اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی برگزار می‌شود.

موارد مورد بحث در این نشست مشتمل بر موارد زیر است:

- اظهارنظر در مورد لایحه جدید «قانون مالیات بر ارزش افزوده»
- ضرورت و امکان‌پذیری ادغام شرکت‌های بیمه

سمینار مقررات متحدالشکل ضمانتنامه های عندالمطالبه

Uniform Rules for Demand Guarantees

(URDG 758)



کمیته ایرانی ICC برگزار می کند:

«مقررات متحدالشکل ضمانتنامه های عندالمطالبه (URDG758)»

کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) در نظر دارد؛ سمیناری را تحت عنوان «مقررات متحدالشکل ضمانتنامه های عندالمطالبه (URDG758)» برگزار نماید.

اتاق بازرگانی بین المللی (ICC) از ابتدای تاسیس همواره کوشیده است که با تدوین ضوابط و مقرراتی برای تجارت بین الملل بین کشورهای مختلف با زمینه های حقوقی و فرهنگی متفاوت، هماهنگی فراهم نموده و به این ترتیب بازرگانی بین المللی را تسریع و تسهیل نماید؛ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی و اینکوترمز از آن جمله است. در زمینه ضمانتنامه های بانکی نیز اتاق بازرگانی بین المللی مقررات خاصی را تنظیم نموده است.

نقش و تاثیر ضمانتنامه های بین المللی در مبادلات جهانی سالهاست که مورد توجه اتاق بازرگانی به ویژه کارشناسان و اعضای کمیسیون های بانکداری و روش های بازرگانی بین المللی قرار دارد. استفاده از شرایط حقوقی سنگین و پیچیده و لزوم صدور آرای محاکم و دادگاه ها برای پرداخت وجه الضمان و درج شرایط متعدد بهانه ای برای عدم استفاده از مقررات ضمانتنامه های مشروط بود. راه حل کارشناسی برای گذر از مراحل فوق، مطالعات و بررسی هایی بود که اتاق بازرگانی بین المللی به منظور ساده سازی مقررات تجارت بین المللی و رغبت عمومی بازرگانان به استفاده از مقررات ضمانتنامه ها به انجام رساند و نتیجه آن، مقررات متحدالشکل ضمانتنامه های عندالمطالبه یا URDG458 بود، که به تصویب کمیته اجرایی اتاق بازرگانی بین المللی رسید.

مقررات مذکور پس از هفده سال کاربرد توانست موفقیت چشمگیری در سطح جهانی کسب کند به نحوی که سازمان های بین المللی مهمی مانند بانک جهانی در ضمانتنامه های صادره خود صرفا از این ضوابط استفاده کردند. اتاق بازرگانی بین المللی بر اساس سیاست خود که به روز کردن مقررات تنظیمی است و با توجه به سوالات و نظرات گردآوری شده توسط کارگروه ضمانتنامه های بانکی، تصمیم به تجدیدنظر در مقررات مذکور گرفت.

• سخنران: فریده تذهیبی

• زمان: سه شنبه، ۲۴ مرداد ماه ۱۳۹۶، ساعت: ۸:۳۰ الی ۱۲:۳۰

• محل برگزاری: خیابان طالقانی شماره ۱۷۵، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

• ارتباط با دبیرخانه: ۸۸۳۰۶۱۲۷ فکس: ۸۸۳۰۸۳۳۰ ایمیل: ICCIran@icc-iran.org

از علاقمندان دعوت می شود برای نام نویسی در سمینار فوق، هزینه شرکت در سمینار (مبلغ ۱,۹۵۰,۰۰۰ ریال برای اعضای کمیته ایرانی و ۲,۴۰۰,۰۰۰ ریال برای غیراعضا) را حداکثر تا تاریخ شنبه، ۲۱ مرداد ماه ۱۳۹۶ به شماره حساب ۱۵۵۰۰۵۰۰۹۲ کد شناسه ۹۶۰۶۳۰ نزد بانک ملت شعبه وزارت نفت (کد ۶۳۲۵/۵) به نام کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی واریز و اسامی شرکت کنندگان را به همراه تصویر فیش واریزی به دبیرخانه کمیته ایرانی ارسال نمایند.

برنامه سمینار و بروشور مرتبط با آن در بخش آموزش وبسایت کمیته ایرانی ICC، در دسترس است.

انجمن داوران جوان (ICC YAF IRAN) برگزار می‌کند:

YOUNG ARBITRATORS FORUM

- زمان: چهارشنبه، ۴ مردادماه ۱۳۹۶ | ساعت ۱۴ الی ۱۷
 - محل برگزاری: خیابان طالقانی شماره ۱۷۵، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
 - سخنرانان:
 - محمد مهدی بهکیش، دبیرکل و نایب رئیس کمیته ایرانی ICC
 - حمیده برمخشد، نماینده انجمن داوران جوان در ایران و عضو کمیسیون حقوقی و داوری کمیته ایرانی ICC
 - محسن محبی، عضو دیوان بین‌المللی داوری ICC در پاریس و دبیر کمیسیون حقوقی و داوری کمیته ایرانی ICC
 - مجید پوراستاد، عضو کمیسیون حقوقی و داوری کمیته ایرانی ICC
- خواهشمند است سوالات خود را با محوریت موضوع فوق، حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۶/۴/۲۶ به نماینده انجمن به نشانی barmakhshad.ICC@gmail.com ارسال نمایید. شرکت در سمینار رایگان خواهد بود و حضور در آن به وکلا، حقوقدانان و کارشناسان حقوقی پیشنهاد می‌شود. با توجه به محدودیت ظرفیت، انجام ثبت‌نام ضروری است.
- ایمیل: icciran@icc-iran.com تلفن: ۸۸۳۰۶۱۲۷ فکس: ۸۸۳۰۸۳۳۰ اطلاعات بیشتر: icc-iran.org

کتاب «اینکوترمز ۲۰۱۰» برای دهمین بار تجدید چاپ شد

کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) برای دهمین بار «اینکوترمز ۲۰۱۰»، را تجدید چاپ و روانه بازار کتاب کرده است.



کتاب «اینکوترمز ۲۰۱۰»، جزو کتاب‌های پر فروش کمیته ایرانی ICC است که برای بار دهم تجدید چاپ شده است. این کتاب مذکور، ترجمه «محمد صالح ذوقی» و «مجید زند میرآلود» است که تفسیر کارشناسانه در مورد وظایف و تکالیف مختلفی که توسط اینکوترمز تعیین و مقرر می‌گردد را ارائه می‌دهد و پاسخگوی نیاز کاربران مقررات اینکوترمز ۲۰۱۰ برای درک آسان و بهتر این مقررات است.

این نشریه تغییراتی را که با توجه به نیاز کاربران در مقررات جدید اینکوترمز صورت گرفته است تشریح می‌کند؛ از جمله تغییرات مهم در متن اینکوترمز ۲۰۱۰؛ تغییر روش طبقه‌بندی مبانی اینکوترمز از گروه‌های چهارگانه E, F, C, D به دو گروه تحت عنوان مبانی مورد استفاده در حمل با هر نوع وسیله نقلیه و مبانی مورد استفاده در حمل دریایی و آبراه داخلی و کاهش تعداد مبانی از ۱۳ اصطلاح به ۱۱ اصطلاح است.

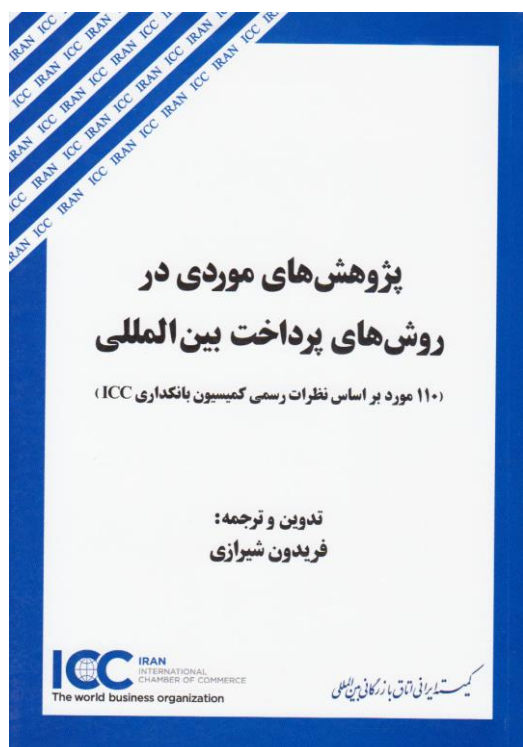
بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی، مقررات اینکوترمز ۲۰۱۰ فقط با آرم کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) معتبر است.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، طی دستورالعمل شماره ۹۰/۸۲۰۵۳ مورخ ۱۳۹۰/۰۴/۱۲ به کلیه بانک‌های دولتی و غیردولتی، ابلاغ کرد که مقررات اینکوترمز ۲۰۱۰ که از اول ژانویه ۲۰۱۱ اجرایی گردیده توسط کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی ترجمه و منتشر شده است. این دستورالعمل تاکید می‌نماید که اصل و ترجمه نشریات اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) بایستی با آرم کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) مورد استناد و بهره‌برداری قرار گیرد.

معرفی کتاب:

کتاب «پژوهش‌های موردی در روش‌های پرداخت بین‌المللی»

کتاب «پژوهش‌های موردی در روش‌های پرداخت بین‌المللی» برای بار چهارم از سوی کمیته ایرانی ICC چاپ و روانه بازار کتاب شد.



این مجموعه به همت «فریدون شیرازی» از کارشناسان با سابقه سیستم بانکی کشور و عضو کمیسیون بانکداری کمیته ایرانی ICC گردآوری و تدوین شده است. وی تاکنون مدرس چندین سمینار و دوره آموزشی از جمله دوره ابزار پرداخت بین‌المللی در کمیته ایرانی ICC بوده است. کتاب حاضر با هدف ارائه نمونه‌های کاربردی و قابل فهم و کمک به درک بهتر مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، رویه‌های استاندارد بانکداری بین‌المللی، مقررات متحدالشکل وصولی‌ها و سایر ضوابط، به جمع‌آوری نمونه‌های مطرح شده از طرف اتاق‌های ملی نزد اتاق بازرگانی بین‌المللی می‌پردازد. این نشریه با کمک به درک روشن‌تر و کاربردی‌تر این مقررات، می‌تواند برای حل موارد بسیاری در حوزه قوانین بانکی مورد استناد قرار گیرد. کارشناسان فعال در بخش خصوصی، بانک‌ها و سایر فعالیت‌های مرتبط با تجارت بین‌المللی با مطالعه این کتاب به اطلاعات مفیدی دسترسی می‌یابند که در کاهش موارد اختلاف و هزینه‌های مربوط به آن مؤثر خواهد بود.

کتاب «پژوهش‌های موردی در روش‌های پرداخت بین‌المللی» در ۱۰۰۰ نسخه چاپ شده است. جهت کسب اطلاعات بیشتر و سفارش خرید با دبیرخانه کمیته ایرانی ICC (شماره تماس ۸۸۳۰۶۱۲۷) و یا دفتر خدمات مشورتی کمیته ایرانی ICC (واقع در ساختمان شماره ۲ اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران به نشانی خیابان خالد اسلامبولی (وزرا) - کوچه ۲۱ - پلاک ۱۰ - طبقه اول، به شماره ۸۸۷۲۸۰۷۷) تماس حاصل نمایید.

وقت آن است صریح‌تر باشیم

کمیته ایرانی ICC، ویژه‌نامه اقتصادی شماره ۲ خود را به مصاحبه، گزارش و یادداشتی به ترتیب با عناوین «روحانی تکلیف خود را با اقتصاد روشن کند»، «مثلث نجات اقتصاد ایران» و «وقت آن است صریح‌تر باشیم» اختصاص داده است.

مصاحبه مذکور توسط مجله تجارت فردا با «محمد مهدی بهکیش»، اقتصاددان ایرانی و دبیرکل کمیته ایرانی ICC صورت گرفته است، علاوه بر این روزنامه دنیای اقتصاد نیز به دلیل اهمیت موضوع مطرح شده و تاثیر آن بر اقتصاد کشور، گزارشی از این مصاحبه تهیه و چاپ نموده است. همچنین بهکیش باری دیگر و با زبانی صریح‌تر یادداشتی را به رشته تحریر درآورده که می‌توان آن را در ادامه مطالب قبلی و در جهت تکمیل آنها دانست. وی در وضعیت امروز، «قاچاق و فساد»، «مشکلات نظام بانکی» و «اقتصاد غیررقابتی» را به صورت سه دیوار در مقابل فعالان اقتصادی می‌داند و معتقد است تا زمانی که این سه دیوار فرو نریزد یا چشم‌انداز فروریزی آن ظاهر نشود، هیچ فعالیت اقتصادی درستی انجام نخواهد شد.

متن کامل مطالب مذکور در ادامه از نظر تان می‌گذرد.



تحلیل محمدمهدی بهکیش از الزامات تقویت ترکیب و کارایی دولت دوازدهم

روحانی تکلیف خود را با اقتصاد روشن کند

تجارت فردا - مجله ۲۲۶ - ریشه‌های ترور اخبار ایران (سیاست)

تاریخ انتشار: شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۶

محمدمهدی بهکیش معتقد است روحانی ابتدا باید تکلیف خود را با اقتصاد -و سه مشکل اصلی آن از نگاه بهکیش- روشن کند، آنگاه وارد تعیین اعضای کابینه شود.

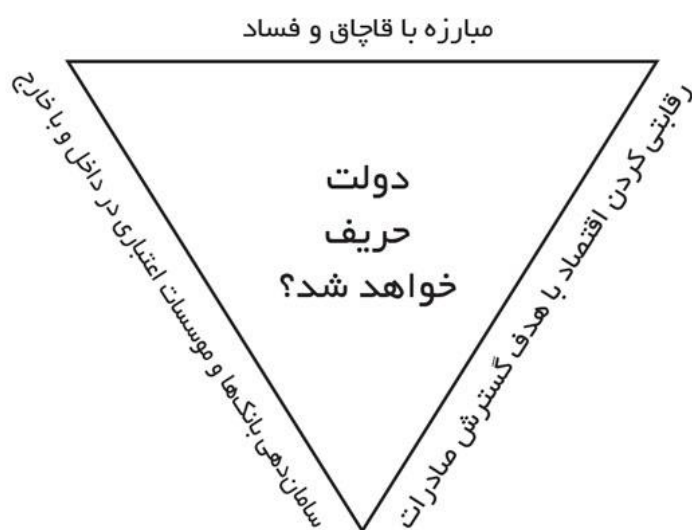
وقتی مشاور رئیس‌جمهور پیش‌بینی کرده باشد که نیمی از کابینه در فاصله دو دولت اول و دوم او تغییر می‌کند، احتمالاً هر ناظری با خود فکر می‌کند که تغییراتی بنیادین در راه است. محمدمهدی بهکیش اما معتقد نیست که جابه‌جایی افراد - هر که باشند- به تغییر بنیادین بینجامد. او می‌گوید: «اگر آقای روحانی بخواهد روال قبلی را ادامه دهد، هیچ فرقی نمی‌کند چه کسی مسوول کدام وزارتخانه باشد چون همه شکست خواهند خورد.» دبیرکل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی معتقد است روحانی ابتدا باید تکلیف خود را با اقتصاد -و سه مشکل اصلی آن از نگاه بهکیش- روشن کند، آنگاه وارد تعیین اعضای کابینه شود.



دولت یازدهم در انجام برخی ماموریت‌های خود توفیق داشته و در برخی نیز ناموفق بوده است. به نظر شما نقاط ضعف اصلی کابینه حسن روحانی - به ویژه در حوزه اقتصاد - چه بوده است؟

ابتدا یادآوری کنم که من از انتخاب مجدد آقای دکتر روحانی به ریاست‌جمهوری بسیار خوشحالم و اگر انتقادی مطرح می‌کنم، با هدف بهبود کار ایشان است. آقای روحانی و همکارانش در دولت یازدهم دو کار بسیار مهم انجام دادند و در عین حال به چند کار مهم اصلاً وارد نشدند. یکی از کارهای مهم آنها در حوزه روابط بین‌الملل بود که به برجام منتهی شد. کار بزرگ دیگر، ایجاد ثبات اقتصادی بود که در نتیجه آن نرخ ارز نسبتاً ثابت ماند، تورم تکریمی شد، بودجه دولت شکل مناسب‌تری به خود گرفت و بخش خصوصی تا حدودی به کار امیدوارتر شد. و شاید مهم آنکه راه رفت‌وآمد سرمایه‌گذاران خارجی به کشور باز شد.

به نظر من طی سال‌های اخیر مهم‌ترین مشکل ما «تحریم» بود که آقای روحانی موفق شد بخش عمده آن را از سر راه بردارد. اما پس از برداشته شدن تحریم‌ها، بزرگ‌ترین مشکل ما در حوزه اقتصاد است. در وضعیت امروز، «قاچاق و فساد»، «مشکلات نظام بانکی» و «اقتصاد غیررقابتی» به صورت سه دیوار در مقابل فعالان اقتصادی قرار گرفته و تا زمانی که این سه دیوار فرو نریزد یا چشم‌انداز فروریزی آن ظاهر نشود، هیچ فعالیت اقتصادی درستی انجام نمی‌شود. تجارت فردا - راه نجات اقتصاد ایران هم جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و هم ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی با این سه مانع مواجه است.



بنابراین من راه نجات اقتصاد ایران را در قالب یک چارچوب مثلثی تعریف کرده‌ام که یک ضلع آن «مبارزه با قاچاق و فساد»، دیگری «ساماندهی بانک‌ها و موسسات اعتباری در داخل و در ارتباط با خارج» و سومین ضلع «رقابتی کردن اقتصاد برای صادرات» است.

به نظر می‌رسد دولت اول آقای روحانی چنین نگاهی به مساله اقتصاد ایران نداشته است یعنی مساله را به صورت استراتژیک بررسی نکرده تا این مشکلات را مورد

شناسایی قرار دهد. تا زمانی که دولت وجود این سه مشکل اساسی را باور نداشته باشد، نمی‌تواند برنامه اقتصادی مناسبی تهیه کند. بنابراین قبل از اینکه آقای روحانی وارد فاز انتخاب وزرا شود، باید راجع به این چارچوب مثلثی با قوای دیگر و مقام معظم رهبری وارد مذاکره شود و توافق آنها را جلب کند. این سه مشکل آنقدر بزرگ است که قوه مجریه به تنهایی قادر به حل آنها نخواهد بود و لازم است تایید رهبری، همکاری قوه مقننه و پشتیبانی قوه قضائیه را داشته باشد.

مشکلات سه‌گانه‌ای که به آن اشاره کردید، تا چه حد به ناکارآمدی وزرا و مدیران پیشین دولت وابسته بوده و چقدر از ساختارهای اقتصادی نامناسب ناشی شده است؟

ارزیابی کارآمدی هر یک از وزرا یا کلیت کابینه باید بر اساس یک برنامه یا سند صورت گیرد. برنامه پنج‌ساله توسعه، برنامه

اقتصاد مقاومتی یا برنامه دولت یازدهم ممکن است مبنایی برای ارزیابی کارآمدی باشد. اما سوال این است که کدام یک از وزرا بر اساس یکی از این اسناد گزارش عملکرد تهیه کرده‌اند تا مشخص شود بر پایه فلان برنامه از نقطه A به نقطه B رسیده‌اند؟ در مورد دولت آینده هم همین سوال مطرح است: کدام برنامه قرار است مبنای عمل قرار گیرد: اقتصاد مقاومتی؟ برنامه ششم؟ برنامه‌ای که آقای روحانی در جریان تبلیغات انتخاباتی ارائه کرد یا برنامه‌ای که کارشناسان معتقد به اقتصاد بازار به او ارائه می‌دهند؟ تا زمانی که مشخص نشود دولت در واقع به دنبال چیست، نمی‌توان درباره کارآمدی یا ناکارآمدی کابینه سخن گفت. باید مشخص شود که آیا دولت به دنبال اقتصاد رقابتی هست یا نه. اگر باشد، به نظر من در قالب همین برنامه اقتصاد مقاومتی و برنامه ششم می‌توان اقتصاد را رقابتی کرد. فراموش نکنیم که اگر به دنبال صادرات محوری هستیم، باید به سمت اقتصاد رقابتی حرکت کنیم. مگر می‌توان کالایی را که به قیمت گران و غیررقابتی تولید شده، صادر کرد؟ مگر می‌توان با وجود فساد گسترده در سیستم اداری به جذب سرمایه‌گذار خارجی امیدوار بود؟ مگر می‌توان چشم را بر حجم عظیم قاچاق کالا بست و از تجارت پاکیزه دم زد؟ موسسات اعتباری و اغلب بانک‌ها وضعیتی بحرانی دارند، مشکلاتی بسیار عمده برای مملکت به وجود آورده‌اند و دارند همه را با خود به داخل باتلاق فرو می‌کشند. معتمد هیچ مساله‌ای به اهمیت سه ضلع مثلث مورد اشاره وجود ندارد. به عبارت دیگر هیچ فعالیت اقتصادی بدون مواجه شدن با مشکلات سه‌گانه فوق قابل اجرا نیست. یک لحظه خودمان را جای آقای روحانی بگذاریم و فرض کنیم که می‌خواهیم وزرای کابینه را انتخاب کنیم. اگر به آقای X بگوییم: «مسئولیت فلان وزارتخانه را قبول کن»، ممکن است بگوید: «من در این وزارتخانه قرار است چه کنم؟ اگر می‌خواهی اقتصاد را رقابتی کنی، من این کار را بلد نیستم. توان من، اداره وزارتخانه با سیاست‌های حمایتی است.» همین الان برخی وزرای کابینه کاملاً به اقتصاد رقابتی معتقدند و برخی دیگر کاملاً طرفدار سیاست‌های حمایتی‌اند. در عجبم که آقای روحانی چگونه این دو گروه را کنار هم نشانده است. طبیعی است که در چنین وضعیتی از وزارتخانه‌های مختلف، صداهای گوناگون شنیده می‌شود. وزارت صنعت، معدن و تجارت به شدت به سمت سیاست‌های حمایتی میل می‌کند و وزارت راه و شهرسازی به سمت اقتصاد رقابتی؛ برخی گروه‌های صاحب‌قدرت موسسات مالی و اعتباری را به یک‌سو می‌کشند و بانک مرکزی به سوی دیگر. اشکال عمده‌ای که بر دولت اول آقای روحانی وارد بود، همین است. آقای روحانی باید بلافاصله بعد از برجام نگاه خود را به سمت اقتصاد معطوف می‌کرد و برای حل سه مشکل اساسی مورد اشاره وارد عمل می‌شد. باید مثلاً به آقای X می‌گفت «اگر می‌توانی در این مسیر با دولت همراه شوی در کابینه بمان، در غیر این صورت شما را به خیر و ما را به سلامت.»

معنای صحبت‌های شما این است که روح کلی حاکم بر دولت و هماهنگی و همسویی میان تیم اقتصادی، مهم‌تر از تک‌تک آدم‌هاست. به عبارت دیگر ابتدا باید این روح کلی را بر دولت حاکم کرد، آنگاه بر اساس آن وزرا را برگزید.

باید روح کلی و قصد و اراده برای انجام این کارها وجود داشته باشد. در چهار سالی که از دولت آقای روحانی می‌گذرد، به عنوان مثال هیچ برنامه مدونی برای مبارزه با فساد ارائه نشده.

ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی البته فعال است.

بله، اما برنامه‌ای که بتوان بر اساس آن گزارش عملکرد تهیه کرد، وجود ندارد. برای مبارزه با قاچاق هم همین‌طور. دولت برای اصلاح نظام بانکی نیز تنها به بانک مرکزی متکی بوده در حالی که این مشکل فراتر از بانک مرکزی است. باید برای همه این

کارها برنامه مدونی وجود داشته باشد که بگوید برای حرکت از نقطه A به B این کارها انجام می‌شود. آقای روحانی این کار را نکرده و در این مورد می‌توان به او ایراد گرفت. انجام این کار البته بسیار مشکل است. آقای روحانی بهتر از همه می‌داند که برای اجرای چارچوب مثلثی مورد اشاره، باید با قوای مقننه و قضائیه، سایر نیروهای صاحب قدرت و نفوذ، گروه‌های تندرو و... وارد مذاکره شود. ولی اگر این کار را نکند، تداوم وضعیت فعلی، اقتصاد ایران را به جای بدتری می‌رساند: نرخ بیکاری تشدید می‌شود، شاید رشد اقتصادی دوسه درصدی داشته باشیم، اما این نرخ رشد چیزی را جبران نمی‌کند و وضع ترازنامه دولت رو به وخامت بیشتر می‌رود. امروز وضع ترازنامه دولت (ترازنامه‌ای که شامل دارایی‌ها و بدهی‌های دولت باشد) به هیچ وجه مشخص نیست و خزانه‌داری کشور هیچ‌گاه این ترازنامه را منتشر نکرده است. این در حالی است که بدهی‌های دولت به شدت افزایش پیدا کرده. جالب اینجاست که بخشی از بدهی دولت به بانک‌ها، در حساب دارایی بانک‌ها مورد محاسبه قرار گرفته و بانک هر سال برای آن سود در نظر می‌گیرد و بر اساس این محاسبه پاداش تعیین می‌کند یا به سهامداران خود سود می‌دهد در حالی که مبنای اولیه این سود (بدهی دولت به بانک) روی هواست. جمع‌بندی کنم: به نظر من کابینه آقای روحانی در دولت یازدهم کاملاً نامتجانس بود و پس از برجام در مورد هیچ یک از کارهای اساسی مورد نیاز اقتصاد اقدام نکرد. امروز مشکلات بانکی نسبت به دو سال قبل بیشتر شده، درباره قاچاق - می‌گویند روند کاهشی بوده اما- آمار روشنی وجود ندارد، در حوزه فساد مجبوریم به رتبه‌بندی‌های جهانی استناد کنیم و آمار داخلی معتبری وجود ندارد (حتی بانک مرکزی هم برخی آمارهای خود را منتشر نمی‌کند) و در حوزه رقابتی کردن اقتصاد در اغلب موارد به طور معکوس عمل شده است. با این حساب اگر آقای روحانی بخواهد روال قبلی را ادامه دهد، هیچ فرقی نمی‌کند چه کسی مسئول کدام وزارتخانه باشد چون همه شکست خواهند خورد. آقای روحانی باید این نکته را در ذهن داشته باشد که در دوره نخست ریاست‌جمهوری به دو سه موفقیت بزرگ رسید که ناکامی‌های دیگرش را پوشاند. اما در دوره دوم دیگر برجامی در کار نیست و کاهش تورمی هم اتفاق نخواهد افتاد. بنابراین باید approach یا رویکرد دیگری را مدنظر قرار دهد تا بتواند بدنه اجتماعی را به دنبال خود بکشد و گرنه به سرعت محبوبیتش را از دست خواهد داد.

با این رویکرد یا approach جدید، به نظر شما نیازی به تجدید ساختار دولت وجود دارد یا با وضعیت فعلی هم می‌توان این رویکرد را به دولت تزریق کرد و وضعیت را تغییر داد؟ توجه دارید که این روزها مساله تفکیک یکی دو وزارتخانه بار دیگر مطرح شده است.

اگر دولت بخواهد در چارچوب مورد اشاره من حرکت کند، باید کوچک شود. ادغام وزارتخانه‌ها هم با هدف کوچک‌سازی دولت صورت می‌گیرد. اگر به مورد وزارت صنعت، معدن و تجارت بپردازیم، به نظر می‌رسد در همه کشورهای جهان یک هدف روشن پشت ایده ادغام صنعت و تجارت بوده است: وزارت صنعت معمولاً به دنبال افزایش تعرفه بوده تا از بخش صنعت حمایت کند اما وزارت تجارت به دنبال کاهش تعرفه بوده تا تجارت را گسترش دهد. در نتیجه این دو وزارتخانه در اغلب کشورها در برابر یکدیگر قرار داشته‌اند. کشورهای توسعه‌یافته برای از بین بردن این تقابل تصمیم گرفتند با ادغام وزارتخانه‌های صنعت و تجارت، یک نفر را مسئول تصمیم‌گیری نهایی کنند تا او نقطه بهینه تعرفه برای تامین منافع هر دو گروه را تعیین کند. به علاوه با رقابتی شدن اقتصاد، بسیاری از وظایف وزارت صنعت که اعطای مجوزهاست، از بین می‌رود و وزارتخانه کوچک می‌شود. بنابراین ادغام صنعت و تجارت یک هدف روشن داشته است. اما مگر امروز این هدف از بین رفته که دولت می‌خواهد بار دیگر دو وزارتخانه را از هم جدا کند؟ چه استدلالی برای این کار وجود دارد؟ اگر گفته شود وزارتخانه خیلی بزرگ شده و اداره آن از عهده یک نفر خارج است، این حرف قابل قبول است اما چاره آن تقسیم دوباره نیست، بلکه کوچک‌سازی وزارتخانه و اصلاح ساختار است ضمن اینکه باید وزیری در راس این وزارتخانه بنشیند که تا این حد حمایت‌گرا

نباشد.

تعریف ساختار دولت باید بر اساس اهداف آن صورت گیرد ولی چون دولت اهداف روشنی ندارد، هرچند وقت یکبار ساختاری را که از قبل از انقلاب به ارث رسیده، دستکاری می‌کند و به نتیجه خاصی هم نمی‌رسد. اگر هدف را مشخص کرده و اراده جدی برای آن داشته باشیم، ممکن است لازم شود «وزارت مبارزه با قاچاق و فساد» یا «وزارت رقابتی کردن اقتصاد» ایجاد کنیم.

امروز وزارت صنعت ما همان است که قبل از انقلاب بوده. هیچ تجدید ساختار یا ارزیابی مجددی در این بخش انجام نشده تا مشخص شود کدام صنعت مزیت و کدام یک توان صادراتی شدن دارد. در زمان وزارت آقای جهانگیری در وزارت صنایع، آقای نیلی کاری پژوهشی تحت عنوان «استراتژی توسعه صنعتی» انجام داد که کار بسیار قابل توجهی بود اما هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نگرفت. وزرای صنعت ما فقط چسبیده‌اند به صنعت خودرو. بعد هم با اتکا به اطلاعات نادرست ادعا می‌شود این صنعت چند میلیون شغل ایجاد کرده است. مثل زمانی که گفته بودند ۱۱۰ هزار خودرو در انبار کارخانه‌های خودروسازی دپو شده و یکی دیگر از وزرا گفته بود اگر ابعاد ۱۱۰ هزار خودرو را محاسبه کنیم، مساحت بخشی از غرب تهران را پر می‌کند! ولی با همان حرف‌ها از کابینه رای گرفتند و برای فروش ۱۱۰ هزار خودرو تسهیلات پرداخت کردند.

دولتمردان مرتباً از هدف «ایجاد اشتغال» صحبت می‌کنند. بسیار خوب، اگر به دنبال ایجاد اشتغال هستید، دو راه بیشتر ندارید: یا باید یک واحد اقتصادی موجود را گسترش دهید یا برای راه‌اندازی واحد جدید دست به جذب سرمایه بزنید. اما دولت در عوض چه کرده؟ سال گذشته منابع مالی بسیاری برای پرداخت تسهیلات به واحدهای مشکل‌دار اختصاص داده است. این کار ممکن است مشکل آن واحدها را به طور موقت حل کرده و تولیدشان را افزایش داده باشد اما هیچ کمکی به پایداری آنان یا ایجاد اشتغال نکرده است چراکه این واحدها کارگران قبلی خود را داشته‌اند. منظورم این است که وقتی هدف را گم می‌کنیم، با سیاستگذاری نادرست، منابع مالی خود را در جای نامناسب هزینه می‌کنیم. اگر هدف ما ایجاد اشتغال است، باید سه ضلع چارچوب مثلثی را مدنظر داشته باشیم. فراموش نکنید که تا وقتی نرخ سود ۲۰ درصدی در نظام بانکی وجود داشته باشد، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش‌های مولد اقتصاد هیچ توجیهی ندارد تا به توسعه اشتغال بینجامد.

فرض کنیم آقای روحانی چارچوب مثلثی شما را پذیرفت و تصمیم گرفت کابینه را بر اساس آن بچیند. در این صورت فکر می‌کنید کدام یک از اعضای کابینه باید تغییر کنند و کدام یک باید در دولت باقی بمانند؟

هر کس می‌خواهد در راس یک وزارتخانه بنشیند باید دست‌کم یک سال خارج از ایران زندگی کرده باشد تا دنیا را دیده و شناخته باشد. شاخص دیگر این است که وزیر باید تحصیلات عالی باکیفیت داشته باشد. مثلاً نباید مدرک تحصیلی خود را حین کار کردن گرفته باشد. مدرک فردی که معاون وزیر یا سفیر بوده و حین مسوولیت دکترا یا فوق‌لیسانس گرفته، ارزش کاربردی برای حل مشکلات مملکت ندارد. شرط سوم این است که وزیر باید به برنامه تدوین شده رئیس‌جمهور -هرچه باشد- اعتقاد داشته باشد. اما قبل از تعیین اینکه فلان فرد برای بهمان وزارتخانه مناسب است یا نه، آقای روحانی باید تکلیف خود را برای دولت آینده مشخص کند. در دولت یازدهم او تکلیف خود را «شکستن تحریم‌ها» قرار داده بود و همه ارکان کشور با او همراه بودند. در نتیجه او و همراهانش توانستند با به‌کارگیری قابلیت‌های تحسین‌آمیز این کار را انجام دهند. امروز هم او باید تکلیف خود را با اقتصاد روشن کند -و به نظر من باید چارچوب مثلثی را مبنای کار خود قرار دهد- آنگاه وارد تعیین اعضای کابینه شود.

در گفت‌وگو با «محمد مهدی بهکیش» مسیر کارآیی دولت دوازدهم بررسی شد

مثلث نجات اقتصاد ایران

روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۴۰۸۵

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶/۰۴/۱۴

دنیای اقتصاد: در آستانه چینش کابینه دولت دوازدهم، دکتر محمدمهدی بهکیش از الزامات تقویت ترکیب و کارآیی دولت جدید حسن روحانی سخن به میان آورده است. دبیرکل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی، راه نجات اقتصاد ایران را در قالب یک چارچوب مثلثی تعریف کرده است. یک ضلع مثلث راهگشای اقتصاد، «مبارزه با قاچاق و فساد» ضلع دیگر «رقابتی کردن اقتصاد با هدف گسترش صادرات» و سومین ضلع «ساماندهی بانک‌ها و موسسات اعتباری در داخل و با خارج» است. بهکیش در مصاحبه با هفته‌نامه «تجارت فردا» به رئیس‌جمهوری منتخب دولت دوازدهم پیشنهاد داده که ابتدا تکلیف خود را با اقتصاد و سه مشکل اصلی آن روشن کند، آنگاه وارد فاز تعیین اعضای کابینه شود؛ چرا که جابه جایی افراد به تغییرات بنیادین نخواهد انجامید و ادامه روال قبلی نتیجه‌ای جز شکست برای عملکرد متولیان وزارتخانه‌ها نخواهد داشت.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی، دولت یازدهم در انجام برخی مأموریت‌های خود توفیق داشته و در برخی دیگر ناموفق عمل کرده است. بهکیش درخصوص نقاط ضعف اصلی کابینه حسن روحانی به ویژه در حوزه اقتصاد بر این باور است که روحانی و همکارانش در دولت یازدهم دو کار بسیار مهم انجام داده‌اند، اما در عین حال به چند کار مهم اصلاً وارد نشدند. بهکیش در تشریح فراز و فرودهای اقتصادی دولت چهارساله روحانی گفت: یکی از کارهای مهم آنها در حوزه روابط بین‌الملل بود که به برجام منتهی شد. کار بزرگ دیگر، ایجاد ثبات اقتصادی بود که در نتیجه آن نرخ ارز نسبتاً ثابت ماند، تورم تک‌رقمی شد، بودجه دولت شکل مناسب‌تری به خود گرفت و بخش خصوصی تا حدودی به کار امیدوارتر شد و شاید مهم‌تر آنکه راه رفت‌وآمد سرمایه‌گذاران خارجی به کشور باز شد.

این اقتصاددان «تحریم‌ها» را مهم‌ترین مشکل اقتصاد کشور طی سال‌های گذشته می‌داند. وی بر این باور است که روحانی موفق شده بخش عمده‌ای از تحریم‌ها را از سر راه بردارد، اما به گفته وی بزرگ‌ترین مشکل حال حاضر که در حوزه اقتصاد تعریف می‌شود هنوز هم پابرجا است. به اعتقاد بهکیش در وضعیت امروز «قاچاق و فساد»، «مشکلات نظام بانکی» و «اقتصاد غیررقابتی» به صورت سه دیوار در مقابل فعالان اقتصادی قرار گرفته و تا زمانی که این سه دیوار فرو نریزد یا چشم‌انداز فروریزی آن ظاهر نشود، هیچ فعالیت اقتصادی درستی انجام نمی‌شود. دبیرکل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی معتقد است هم «جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی» و هم ایجاد «اشتغال و رشد اقتصادی» با این سه مانع مواجه شده‌اند. وی می‌گوید: من راه نجات اقتصاد ایران را در قالب یک چارچوب مثلی تعریف کرده‌ام که یک ضلع آن «مبارزه با قاچاق و فساد»، دیگری «ساماندهی بانک‌ها و موسسات اعتباری در داخل و در ارتباط با خارج» و سومین ضلع «رقابتی کردن اقتصاد برای صادرات» است.

بهکیش با انتقاد از نبود یک نگاه استراتژیک در حل مشکلات اقتصادی، عنوان می‌کند: به نظر می‌رسد دولت اول آقای روحانی چنین نگاهی به مساله اقتصاد ایران نداشته است؛ یعنی مساله را به صورت استراتژیک بررسی نکرده تا این مشکلات را مورد شناسایی قرار دهد. تا زمانی که دولت وجود این سه مشکل اساسی را باور نداشته باشد، نمی‌تواند برنامه اقتصادی مناسبی تهیه کند. بنابراین قبل از اینکه آقای روحانی وارد فاز انتخاب وزرا شود، باید راجع به این چارچوب مثلی با قوای دیگر و مقام معظم رهبری وارد مذاکره شود و توافق آنها را جلب کند. این سه مشکل آنقدر بزرگ است که قوه مجریه به تنهایی قادر به حل آنها نخواهد بود و لازم است تایید رهبری، همکاری قوه مقننه و پشتیبانی قوه قضائیه را داشته باشد.

دبیرکل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی، درخصوص اینکه مشکلات سه‌گانه تا چه حد به ناکارآمدی وزرا و مدیران پیشین دولت وابسته بوده و چقدر از ساختارهای اقتصادی نامناسب ناشی شده است، اظهار می‌کند: ارزیابی کارآمدی هر یک از وزرا یا کلیت کابینه باید براساس یک برنامه یا سند صورت گیرد. برنامه پنج‌ساله توسعه، برنامه اقتصاد مقاومتی یا برنامه دولت یازدهم ممکن است مبنایی برای ارزیابی کارآمدی باشد. اما سوال این است که کدام یک از وزرا براساس یکی از این اسناد گزارش عملکرد تهیه کرده‌اند تا مشخص شود بر پایه فلان برنامه از نقطه A به نقطه B رسیده‌اند؟ در مورد دولت آینده هم همین سوال مطرح است: کدام برنامه قرار است مبنای عمل قرار گیرد؟ اقتصاد مقاومتی؟ برنامه ششم؟ برنامه‌ای که آقای روحانی در جریان تبلیغات انتخاباتی ارائه کرد یا برنامه‌ای که کارشناسان معتقد به اقتصاد بازار به او ارائه می‌دهند؟

وی معتقد است تا زمانی که مشخص نشود دولت در واقع به دنبال چیست، نمی‌توان درباره کارآمدی یا ناکارآمدی کابینه سخن گفت، چرا که باید مشخص شود آیا دولت به دنبال اقتصاد رقابتی هست یا نه، اگر باشد باید در قالب برنامه اقتصاد مقاومتی و برنامه ششم اقتصاد را رقابتی کرد.

بهکیش می‌افزاید: فراموش نکنیم که اگر به دنبال صادرات محوری هستیم، باید به سمت اقتصاد رقابتی حرکت کنیم. مگر می‌توان کالایی را که به قیمت گران و غیررقابتی تولید شده، صادر کرد؟ مگر می‌توان با وجود فساد گسترده در سیستم اداری به جذب سرمایه‌گذار خارجی امیدوار بود؟ مگر می‌توان چشم را بر حجم عظیم قاچاق کالا بست و از تجارت پاکیزه دم زد؟ موسسات اعتباری و اغلب بانک‌ها وضعیتی بحرانی دارند، مشکلاتی بسیار عمده برای مملکت به وجود آورده‌اند و همه را با خود به داخل باتلاق فرو می‌کشند. بنابراین معتقدم هیچ مساله‌ای به اهمیت سه ضلع مثلث مورد اشاره وجود ندارد، به عبارت دیگر هیچ فعالیت اقتصادی بدون مواجه شدن با مشکلات سه‌گانه فوق قابل اجرا نیست.

این اقتصاددان درخصوص چینش کابینه دولت دوازدهم گفت: یک لحظه خودمان را جای آقای روحانی بگذاریم و فرض کنیم که می‌خواهیم وزرای کابینه را انتخاب کنیم. اگر به آقای X بگوییم: «مسئولیت فلان وزارتخانه را قبول کن»، ممکن است بگوید: «من در این وزارتخانه قرار است چه کنم؟ اگر می‌خواهی اقتصاد را رقابتی کنی، من این کار را بلد نیستم. توان من، اداره وزارتخانه با سیاست‌های حمایتی است.» همین الان برخی وزرای کابینه کاملاً به اقتصاد رقابتی معتقدند و برخی دیگر کاملاً طرفدار سیاست‌های حمایتی‌اند. در عجبم که آقای روحانی چگونه این دو گروه را کنار هم نشانده است، طبیعی است که در چنین وضعیتی از وزارتخانه‌های مختلف، صداها گوناگون شنیده می‌شود. وزارت صنعت، معدن و تجارت به شدت به سمت سیاست‌های حمایتی میل می‌کند و وزارت راه و شهرسازی به سمت اقتصاد رقابتی؛ برخی گروه‌های صاحب‌قدرت، موسسات مالی و اعتباری را به یکسو می‌کشند و بانک مرکزی به سوی دیگر. اشکال عمده‌ای که بر دولت اول آقای روحانی وارد بود، همین است. آقای روحانی باید بلافاصله بعد از برجام نگاه خود را به سمت اقتصاد معطوف می‌کرد و برای حل سه مشکل اساسی مورد اشاره وارد عمل می‌شد. باید مثلاً به آقای X می‌گفت «اگر می‌توانی در این مسیر با دولت همراه شوی در کابینه بمان، در غیر این صورت شما را به خیر و ما را به سلامت.»

بهکیش درمورد وجود برنامه مدون برای مبارزه با فساد بر این باور است که برنامه‌ای که بتوان بر اساس آن گزارش عملکرد تهیه کرد، وجود ندارد، برای مبارزه با قاچاق هم همین‌طور. دولت برای اصلاح نظام بانکی نیز تنها به بانک مرکزی متکی بوده در حالی که این مشکل فراتر از بانک مرکزی است. باید برای همه این کارها برنامه مدونی وجود داشته باشد که بگوید برای حرکت از نقطه A به B این کارها انجام می‌شود. آقای روحانی این کار را نکرده و در این مورد می‌توان به او ایراد گرفت. انجام این کار البته بسیار مشکل است. وی معتقد است اگر این اقدامات صورت نگیرد تداوم وضعیت فعلی، اقتصاد ایران را به جای بدتری می‌رساند مثلاً نرخ بیکاری تشدید می‌شود، شاید رشد اقتصادی دو، سه درصدی وجود داشته باشد، اما این نرخ رشد چیزی را جبران نمی‌کند و وضع ترازنامه دولت رو به وخامت بیشتر می‌رود.

این اقتصاددان در جمع‌بندی سخنان خود می‌گوید: کابینه روحانی در دولت یازدهم کاملاً نامتجانس بود و پس از برجام در مورد هیچ‌یک از کارهای اساسی موردنیاز اقتصاد اقدام نکرد. امروز مشکلات بانکی نسبت به دو سال قبل بیشتر شده، درباره قاچاق، می‌گویند روند کاهشی بوده اما آمار روشنی وجود ندارد، در حوزه فساد مجبوریم به رتبه‌بندی‌های جهانی استناد کنیم و آمار داخلی معتبری وجود ندارد (حتی بانک مرکزی هم برخی آمارهای خود را منتشر نمی‌کند) و در حوزه رقابتی کردن اقتصاد در اغلب موارد به‌طور معکوس عمل شده است. با این حساب اگر آقای روحانی بخواهد روال قبلی را ادامه دهد، هیچ فرقی نمی‌کند چه کسی مسئول کدام وزارتخانه باشد؛ چون همه شکست خواهند خورد. آقای روحانی باید این نکته را در ذهن داشته باشد که در دوره نخست ریاست‌جمهوری به دو، سه موفقیت بزرگ رسید که ناکامی‌های دیگرش را پوشاند. اما در دوره دوم دیگر برجامی در کار نیست و کاهش تورمی هم اتفاق نخواهد افتاد. بنابراین باید approach یا رویکرد دیگری را مدنظر قرار دهد تا بتواند بدنه اجتماعی را به دنبال خود بکشد و گر نه به سرعت محبوبیتش را از دست خواهد داد.

بهکیش همچنین درخصوص مساله تفکیک برخی وزارتخانه‌ها هم می‌گوید: اگر دولت بخواهد در چارچوب مورد اشاره من حرکت کند، باید کوچک شود. ادغام وزارتخانه‌ها هم با هدف کوچک‌سازی دولت صورت می‌گیرد. اگر به مورد وزارت صنعت، معدن و تجارت بپردازیم، به‌نظر می‌رسد در همه کشورهای جهان یک هدف روشن پشت ایده ادغام صنعت و تجارت بوده است؛ وزارت صنعت معمولاً به دنبال افزایش تعرفه بوده تا از بخش صنعت حمایت کند اما وزارت تجارت به دنبال کاهش

تعرفه بوده تا تجارت را گسترش دهد، در نتیجه این دو وزارتخانه در اغلب کشورها در برابر یکدیگر قرار داشته‌اند. کشورهای توسعه‌یافته برای از بین بردن این تقابل تصمیم گرفتند با ادغام وزارتخانه‌های صنعت و تجارت، یک نفر را مسئول تصمیم‌گیری نهایی کنند تا او نقطه بهینه تعرفه برای تامین منافع هر دو گروه را تعیین کند. به علاوه با رقابتی شدن اقتصاد، بسیاری از وظایف وزارت صنعت که اعطای مجوزهاست، از بین می‌رود و وزارتخانه کوچک می‌شود، بنابراین ادغام صنعت و تجارت یک هدف روشن داشته است. اما مگر امروز این هدف از بین رفته که دولت می‌خواهد بار دیگر دو وزارتخانه را از هم جدا کند؟ چه استدلالی برای این کار وجود دارد؟ اگر گفته شود وزارتخانه خیلی بزرگ شده و اداره آن از عهده یک نفر خارج است، این حرف قابل قبول است اما چاره آن تقسیم دوباره نیست، بلکه کوچک‌سازی وزارتخانه و اصلاح ساختار است، ضمن اینکه باید وزیری در راس این وزارتخانه بنشیند که تا این حد حمایت‌گرا نباشد.

این اقتصاددان درخصوص ساختار دولت بر این باور است که تعریف ساختار دولت باید بر اساس اهداف آن صورت گیرد اما چون دولت اهداف روشنی ندارد، هرچند وقت یک‌بار ساختاری را که از قبل از انقلاب به ارث رسیده، دستکاری می‌کند و به نتیجه خاصی هم نمی‌رسد. وی معتقد است اگر هدف را مشخص کرده و اراده جدی برای آن وجود داشته باشد، ممکن است لازم شود «وزارت مبارزه با قاچاق و فساد» یا «وزارت رقابتی کردن اقتصاد» ایجاد شود.

بهکیش درخصوص تاریخچه تغییر چینش وزارت صنعت و بررسی روند موجود اظهار می‌کند: امروز وزارت صنعت همان است که قبل از انقلاب بوده، هیچ تجدید ساختار یا ارزیابی مجددی در این بخش انجام نشده است تا مشخص شود کدام صنعت مزیت و کدام یک توان صادراتی شدن دارد. در زمان وزارت آقای جهانگیری در وزارت صنایع، آقای نیلی کاری پژوهشی با عنوان «استراتژی توسعه صنعتی» انجام داد که کار بسیار قابل‌توجهی بود؛ اما هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نگرفت. وی می‌افزاید: وزرای صنعت ما فقط چسبیده‌اند به صنعت خودرو. بعد هم با اتکا به اطلاعات نادرست ادعا می‌شود این صنعت چند میلیون شغل ایجاد کرده است. مثل زمانی که گفته بودند ۱۱۰ هزار خودرو در انبار کارخانه‌های خودروسازی دپو شده و یکی دیگر از وزرا گفته بود، اگر ابعاد ۱۱۰ هزار خودرو را محاسبه کنیم، مساحت بخشی از غرب تهران را پر می‌کند ولی با همان حرف‌ها از کابینه رای گرفتند و برای فروش ۱۱۰ هزار خودرو تسهیلات پرداخت کردند.

بهکیش در بخش دیگری از سخنان خود ایجاد اشتغال در کشور را در بوته نقد قرار می‌دهد و می‌گوید: دولتمردان مرتباً از هدف «ایجاد اشتغال» صحبت می‌کنند. اگر به دنبال ایجاد اشتغال هستید، دو راه بیشتر ندارید: یا باید یک واحد اقتصادی موجود را گسترش دهید یا برای راه‌اندازی واحد جدید دست به جذب سرمایه بزنید. اما دولت در عوض چه کرده؟ سال گذشته منابع مالی بسیاری برای پرداخت تسهیلات به واحدهای مشکل‌دار اختصاص داده است. این کار ممکن است مشکل آن واحدها را به‌طور موقت حل کرده و تولیدشان را افزایش داده باشد اما هیچ کمکی به پایداری آنان یا ایجاد اشتغال نکرده است چراکه این واحدها کارگران قبلی خود را داشته‌اند. وی ادامه می‌دهد: منظورم این است که وقتی هدف را گم می‌کنیم، با سیاستگذاری نادرست، منابع مالی خود را در جای نامناسب هزینه می‌کنیم. اگر هدف ما ایجاد اشتغال است، باید سه ضلع چارچوب مثلثی را مدنظر داشته باشیم. فراموش نکنید تا وقتی نرخ سود ۲۰ درصدی در نظام بانکی وجود داشته باشد، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش‌های مولد اقتصاد هیچ توجیهی ندارد تا به توسعه اشتغال منجر شود.

وقت آن است صریح‌تر باشیم

دکتر مهدی بهکیش

روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۴۰۸۷

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶/۰۴/۱۷

کارشناسان و مقامات تفاهم دارند که رشد اقتصادی بالاتر و اشتغال بیشتر نیاز جدی کشور است؛ ولی آنچه مورد تفاهم نیست، چگونگی دستیابی به رشد بالاتر است. برخی رقابتی شدن را ضروری می‌دانند و برخی دیگر درون‌گرایی را در اولویت قرار می‌دهند و گروهی از آنان برداشتی از اقتصاد مقاومتی را نشانه می‌آورند که از این طریق امنیت کشور و نظام بهتر تامین می‌شود.

متخصصان اقتصاد آزاد معتقدند در دوران جهانی شده امروز جز با رقابتی کردن اقتصاد دستیابی به رشد بالاتر امکان‌پذیر نیست. این گروه معتقدند حتی امنیت و مقاومت کشور در برابر تهدیدهای خارجی از این مسیر نیز به‌خوبی تامین می‌شود؛ زیرا حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی خود امنیت می‌آورد. این گروه سرنوشت کشورهای مشابه را دلیل بر حقانیت استدلال خود می‌دانند و ادعا دارد که گسترش صادرات در صورتی عملی است که تولید کالای صادراتی در محیط رقابتی صورت گیرد و قیمت و کیفیت آن قابل رقابت باشد؛ زیرا اگر به طرف رقابتی شدن نرویم، رویکردی درون‌گرا خواهیم داشت که رشدی درخور برای کشور نخواهد داشت؛ زیرا صادرات کشور به نفت و محصولات جنبی آن محدود می‌شود. علاوه بر اینکه قاچاق جایگاهی وسیع برای فعالیت پیدا می‌کند؛ زیرا قیمت‌های داخلی عموماً بالاتر از قیمت‌های بین‌المللی است و دروازه‌های کشور قابل کنترل نیست. وجود بنادر چندگانه نیمه مخفی و کولبران ستم‌کشیده نشان از دو واقعیت دارد. یکی اینکه زندگی مردم و اقتصاد کشور بدون تجارت خارجی مختل است و دیگر اینکه تلاش برای درونگرایی، واردات را برطرف نکرده بلکه از طریق سرکوب زیرزمینی کرده است. علاوه بر آن کشورهای دیگر از جمله همسایگان اقتصاد آزاد دارند و علاقه‌مند به صادر کردن هستند حتی از طریق مرزهای غیررسمی و کولبری.

گروه درونگرا نگران امنیت کشورند البته اگر منافع خاص مطرح نباشد. این گروه از رقابتی شدن اقتصاد نگرانند؛ زیرا فکر می‌کنند با رقابتی شدن، تصمیم‌گیری‌ها در اختیار افراد قابل‌اعتماد نخواهد بود، بلکه بازار و افراد درون آن تصمیم می‌گیرند که شناخته شده نیستند. در نتیجه این گروه از اقتصاد مقاومتی برداشتی درون‌گرا دارند و به بخش خصوصی هم اعتماد کافی ندارند، مگر شناخته شده باشند و این فرآیند در سال‌های گذشته عموماً حاکم بر تصمیمات کشور بوده و به همین دلیل خصوصی‌سازی‌ها به خصولتی‌سازی تبدیل شد. قیمت‌گذاری همچنان پابرجا مانده و تعرفه‌های ۱۰۰ درصد جولان می‌دهند. در مقابل گروه اول معتقدند تکیه بر افراد خاص در ارجاع فعالیت‌های اقتصادی فسادآور است، ولی گروه درونگرا آن را کم‌اهمیت می‌دانند، شاید فکر می‌کنند اگر تامین منابع برای برخی هزینه‌های جانبی کشور که بعضاً غیرشفاف هستند و از این مسیر تامین می‌شوند، فساد قابل‌توجیه می‌شود و فکر می‌کنند راه دور نمی‌رود؛ زیرا دست خودی‌ها است. باید توجه داشته باشیم که هزینه‌های خاص و محرمانه در همه کشورها وجود دارند ولی هیچ‌گاه آن را از طریق اعطای امتیازهای اقتصادی تامین نمی‌کنند؛ زیرا رقابت را مخدوش می‌سازد. اداره کشور به ترتیب فوق به‌تدریج تبدیل به تیول‌داری می‌شود که کم و بیش شاهد آن هستیم و تیول‌داران منابع خود را در فعالیت‌هایی درگیر می‌کنند که هدف‌های سیاسی ایجاب می‌کند یا درگیر جریان‌های تجاری پرسود می‌شوند که اکثراً در پشت دیوارهای بلند تعرفه‌ای یا امتیازهای خاص تجاری یا اور اینووس‌های گسترده به‌وجود آمده‌اند که بیشترین تحمیل را به مصرف‌کننده می‌کنند. خرید اتومبیل به بیش از دو برابر قیمت طی سال‌های پس از انقلاب دلیلی دیگر بر این مدعا است. نباید فراموش کرد تا زمانی که تحریم‌ها بر کشور حاکم است نمی‌توان به‌سوی رقابتی شدن جدی پیش رفت و به همین دلیل دولت یازدهم تلاش کرد از طریق بگرام تحریم‌ها را برطرف کند تا بتوان اقتصاد رقابتی را پیاده و سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کرد، ولی دیدیم که چگونه شرایط شبه‌تحریمی به کشور بازگشت و سرمایه‌گذاران را فراری داد. ۳۷ سال است که اقتصاد کشور با هدایت گروه دومی‌ها (درون‌گراها) اداره شده و هزاران مقاله و کتاب و تلاش گروه اول راه به جایی باز نکرده است. البته گروه معتقد به اقتصاد درون‌گرا ادعا می‌کنند که تا به حال اقتصاد کشور را اداره کرده‌اند، ولی این را نمی‌گویند که اقتصاد را با رشدی نزدیک به صفر اداره کرده‌اند و تقریباً تمام منابع کشور مستهلک شده و حتی سرمایه‌های اساسی کشور چون آب به قهقرا رفته‌اند. به علاوه اجازه طرح این بحث را نمی‌دهند که اگر اقتصاد به‌صورت رقابتی اداره شده بود، در حال حاضر در چه شرایطی بودیم و بسیاری از مشکلات موجود را نداشتیم یا بسیار کمتر از آن بود که با آن مواجهیم. شکی نیست که درآمد نفت یاری‌رسان درون‌گرایان بوده و با وجود آنکه شعار دولت‌های غیروابسته به نفت داده شده، ولی در عمل دولت‌ها هر چه بیشتر به نفت وابسته مانده‌اند و راهی ساده برای خروج از این وضعیت ندارند، ولی حال که درآمد نفت به شدت رو به کاهش است، آیا باز هم می‌توان اقتصاد را به‌صورت درون‌گرا اداره کرد؟

جواب نویسنده منفی است؛ مگر لشکر بیکاران را بیش از آنچه هم‌اکنون داریم پذیرا باشیم و آماده شویم تنش‌های اجتماعی آن را ساکت کنیم که جو نامناسبی را به‌وجود می‌آورد و هیچ‌کس خواهان آن نیست. پیشنهادی که در دو هفته گذشته مطرح کرده‌ام و در هفته‌نامه تجارت فردا و روزنامه «دنیای اقتصاد» با عنوان مثلث نجات اقتصاد ایران چاپ شد آن است که پایه اصلی مشکلات کشور سه‌گانه‌اند و عبارتند از: «قاچاق و فساد»، «بحران نظام بانکی» و در نهایت «غیررقابتی بودن اقتصاد».

اگر طرفداران درون‌گرایی موافق باشند و دولت نیز پیشنهاد را بپسندد می‌توان برنامه‌ای برای سروسامان دادن به سه مشکل فوق تهیه و پیاده کرد، تا راه برای سایر اصلاحات و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی جهت فعال کردن مزیت‌ها باز شود و امکان ایجاد موقعیت مناسب برای رشد اشتغال فراهم آید و کالای صادراتی نیز قابل‌تولید کردن شود. فکر می‌کنم اگر در این

مسیر حرکت نکنیم در آینده نه چندان دور با تصمیم‌گیری‌های بسیار جدی و دشواری مواجه خواهیم شد، ضمن آنکه بخش غیرنفتی اقتصاد کشور با رشد پایین‌تر و حتی منفی مواجه می‌شود. به عبارت دیگر اگر روش اداره اقتصادی کشور را تغییر ندهیم، روزهای بسیار سختی در پیش خواهیم داشت و همانگونه که گفته شده نابسامانی‌ها تنها در حیطه اقتصاد باقی نخواهند ماند.